



گرامی بان خاطرۀ رفقای کمونیست

رفیق ابوالفضل حالجی در سال ۱۳۳۷ در آراک متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات متوسط در سال ۱۳۵۵ وارد مدرسه عالی رادیو و تلویزیون گشت. رفیق بعد از یکسال دریافت که محیط تحصیلاتش برای گسترش فعالیت مبارزاتی اش مناسب نیست. بهمین علت مجدداً در آموزش دانشگاهی شرکت کرده و وارد دانشگاه تبریز گشت. رفیق ابوالفضل پس از مدتی فعالیت در پیشگام تبریز به همراه رفیق منوچهر دسنبو و عده‌ای دیگری از رفقای تشکیلات "هواداران سازمان وحدت کمونیستی" در تبریز یزرا پیروزی کرد. وی پس از دستی‌وظیفه‌ای انتقال نشریات و اعلامیه‌های سازمان به کردستان را بعهده گرفت و در یکی از همین سفرها بوسیله‌ی چند پیشمرکه‌ی دموکرات که ملیس به لباس پاسداری بودند همراه با مدها نشریه و اعلامیه‌ی سازمان دستگیر شد. رفیق که فکر میکرد توسط سپاه پاسداران ارتجاع دستگیر شده است به چنان دفاع جانانه‌ای از اعتقادات خود و سازمانش انجام داد که پیشمرگان را به تجلیل واداشت.

پس از تعطیل شدن دانشگاهها توسط ارتجاع رفیق همچنان در تبریز به فعالیت مبارزاتی خویش ادامه داد و مدتی نیز رابط تشکیلاتی میان زنجان بود و ضمناً مسئولیت یک حانده‌ی تیمی چاپی نیز بعهده‌ی وی بود.

بالاخره رفیق در تاریخ ۶۰/۴/۹ به همراه رفیق هم‌رزمش منوچهر دستگیر شد و یکماه به بند یعنی در سحرگاه روز ۶۰/۵/۹ سینه‌اش توسط رگبار گلوله‌های جنایتکاران جمهوری اسلامی سوراخ شد و خون پاکش به همراه خون مدها کمونیست دیگر در راه سوسیالیسم و آزادی بزمین ریخت.

رفیق منوچهر دسنبو در سال ۱۳۳۲ در شهرستان خوی متولد شد و پس از مدتی همراه با خانواده به صدان نقل مکان کرد. پس از گذراندن دوران دبیرستان در سال ۱۳۵۴ وارد دانشگاه تبریز شد و در رشته‌ی فلسفه به تحصیل پرداخت.

رفیق که در اواخر تحصیلات دبیرستانی خویش به تدریج به علل فقر و نابسا‌انیهای اجتماعی که در آن زندگی میکرد پی میبرد، با ورود به دانشگاه و پیوستن به جنبش دانشجویی کمونیسم را چراغ راهنمای خویش قرار داد و از آن پس تمام توان خویش را در راه رهایی زحمتکشان و سوسیالیسم بکار گرفت. رفیق منوچهر پس از تعطیلی موقت دانشگاهها در آبان ۵۷ به هم‌مدان مراجعت نمود و به شرکت و سازماندهی تظاهرات اعتراضات آمیز علیه رژیم خائن پهلوی پرداخت. پس از قیام و بازگشایی مجدد دانشگاهها

رفیق به پیشگام تبریز پیوست و پس از مدتها فعالیت در بخش انتشاراتی پیشگام تبریز، به همراه عده‌ای دیگری از رفقا، با خارج شدن از تشکیلات پیشگام، تشکیلات "هواداران سازمان وحدت کمونیستی" در تبریز را بسط نهادند. از آن پس رفیق با تعیین و گسترش آگاهی خویش در انتقال آن از هیچ کوششی فروگذار نکرد و یکدم از مبارزات باز نایستاد. وی رابط تشکیلاتی سازمان در ارومیه بود و بخشی از کارهای چاپ و تکثیر اعلامیه‌های سازمان در تبریز نیز بعهده‌ی وی بود. رفیق یکبار نیز در سال پیش به اتفاق رفیق دیگری در تبریز دستگیر شده بود که با هشیاری انقلابی بعد از ۱۵ روز از زندان آزاد شد. بالاخره رفیق در کنار رفیق هم‌رزمش ابوالفضل در تاریخ ۶۰/۴/۹ دستگیر و در سحرگاه ۶۰/۵/۹ استوار و سربلند سرب‌داغ را پذیرا گشت و ایستاده در راه آرمانش شهادت رسید.

دژخیمان اسلامی سرمایه‌داری باید بدانند که ما با خون منوچهرها و ابوالفضلها میثاق بسته‌ایم که راه آنها را تا برقراری سوسیالیسم و رهایی زحمتکشان ادامه دهیم و در این راه استواری گامهای این رفقا و مدها کمونیست بخون غلظیده‌ی دیگر را رهنمود خویش قرار میدهیم و شک نیست که بزودی انتقامشان را از تمام جانبان خون آشام بازخواهیم ستاند.

راهشان پر رهرو و یادشان گرامی باد

کشتار انقلابیون بدون جواب نخواهد ماند